

حتی اگر نگوییم
که این جنایت
یا با مباشرت
امریکایی‌ها
صورت گرفته و یا
با دستور مستقیم
آنها، نمی‌توان
گفت اتفاقی در
آن منطقه توسط
نیروهای تحت امر
آنها رخ داده باشد
و آنها مطلع نشده
باشند

دشت لیلی بیابانی است که هزاران نفر از زندانیان طالبان توسط سربازان مارشال دوستم و هم‌پیمانانش قتل عام شدند. در این یادداشت به بازخوانی وقوع این جنایت و وقایع پس از آن می‌پردازیم.

پس از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، خبر بازدید ملافاضل از یک بیابان منتشر شد. بیابانی که برای جهانیان شناخته شده نیست ولی برای کسانی که داستانش را می‌دانند، یادآور یک جنایت جنگی در دنیای جدید است. بیابانی با نام «دشت لیلی».

اما ماجرای دشت لیلی چه بود؟

سال ۲۰۰۱ آمریکا به افغانستان تحت حکومت طالبان حمله کرد. در این حمله متحدانی از درون افغانستان در کنار ائتلاف بین‌المللی می‌جنگیدند. از جمله یک جنگ سالار به نام عبدالرشید دوستم. او که یک ازبک تبار بود، از مراتب پایین شروع کرد و به درجه مارشالی هم رسید. درجه‌ای که فقط سه نفر در تاریخ افغانستان به آن دست یافته‌اند. اما دوستم جنایاتی هم داشته است که کمتر کسی در سابقه خود دارد؛ از جمله جنایت دشت لیلی. در جریان حمله به مزارشریف، نیروهای ائتلاف شمال با کمک‌های همه‌جانبه آمریکا و غرب، به پیش می‌رفتند. این حمایت‌ها محدود به پشتیبانی اطلاعاتی و لجستیکی نبود بلکه بمباران‌های هوایی را هم در اختیار داشتند. علاوه بر اینها، نیروهای آلفای امریکایی در کنار افغان‌های ائتلاف می‌جنگیدند. حتی بعدها در سال ۲۰۱۰ خاطرات یکی از این افسران امریکایی در کتابی با نام اسب سواران چاپ شد. سرانجام نیروهای اتحاد شمال با کمک امریکایی‌ها مزارشریف را تصرف کردند.

تصرف مزارشریف، باعث شد که کابل بدون مقاومت سقوط کند. در نتیجه همه طالب‌ها و متحدان‌شان به قندوز فرار کردند اما کمی بعد محاصر شدند. عده‌ای از نیروهای محاصره شده توانستند به جنوب فرار کنند. برخی دیگر هم تغییر جبهه دادند اما ماجرای مادر مورد کسانی است که ماندند و سرنوشت‌شان در دستان عده‌ای دلال افتاد.

پس از واسطه‌گری‌ها، مذاکراتی بین طالبان و اتحاد شمال انجام شد. ملافیصل، ملانوری و برخی دیگر از طالبان، نماینده طالب‌های در محاصره بودند. در طرف مقابل، افرادی مثل جنرال دوستم، جنرال محقق، جنرال عطا و صد البته به شهادت جنگ سالاری به نام امیرجان، که واسطه این گفت‌وگو بود، تعدادی امریکایی و انگلیسی حضور داشتند. توافق صورت گرفته این بود مسلحان قندوز سلاح‌هایشان را به نیروهای بین‌المللی تحویل دهند. سپس خارجی‌ها تحویل سازمان ملل می‌شوند و افغان‌ها به خانه بازمی‌گردند.

چندی پس از توافق، دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا در سخنانی گفت امیدوار است که افراد تحت محاصره یا کشته شوند و یا اسیر. سرانجام در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ تمام نیروهای مسلح طالبان در برابر این تعهد که آنان رازنده می‌گذارند، تسلیم شدند.

پس از اینکه قندوز تسلیم شد اسرای خارجی به زندانی در قلعه جنگی برده شدند. طالب‌های محلی را هم به زندان‌های دیگر بردند. پس از مدتی، قرار شد طالب‌های افغان را از قلعه زینی به قلعه شبرغان ببرند.

مقصد زندان شبرغان در استان جوزجان بود. ۲۸ نوامبر، اسرا را بار کانتینرها زدند. به گفته شاهدان عینی، اعم از سرباز و راننده، کانتینرها را اینقدر از اسرا پر کردند که جای سوزن انداختن نبود. دمای این کانتینرهای تاریک و مملو از جمعیت بیش از ۳۰ درجه سانتیگراد